

مسجد ۱۵۰ ساله حجتیه در ته پل محله، هنوز به نام درخت توت قدیمی اش شناخته می شود

زیر سایه درختی که دیگر نیست

۳



رنگ عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

تداوم خدمت در محرم

به دنبال حضور گسترده عزاداران حسینی در منطقه ثامن و برپایی موبک ها و ایستگاه های عزاداری، بلافاصله پس از پایان مراسم، عملیات عادی سازی، پاک سازی و بهسازی فضاهای سبز شروع شد. به گفته معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ثامن، اقدامات متعددی شامل جمع آوری پسماندها و ضایعات باقی مانده در بوستان ها، نظافت میادین و محورهای اصلی، معابر و فضاهای سبز، انجام شد و شست و شوی المان ها و تجهیزات شهری، ترمیم آسیب های احتمالی وارد شده به چمن ها و باغچه ها و همچنین آبیاری و رسیدگی ویژه به عرصه های سبز صورت گرفت. کامران توتونچی افزود: این عملیات در همه نقاط پرتردومحل های برگزاری مراسم مذهبی منطقه اجرا شده است و روند پایش و نگهداری مستمر فضای سبز نیز طبق برنامه های روزانه ادامه خواهد داشت.



۲ روکش های پیپایی، آسفالت معبر قدیمی دریادل را تکه تکه کرده است

زخم ترمیم ها بر پیکر کاشانی ۱۵

۲ گروه مردمی «هر شب جمعه مثل اربعین» با شله مشهدی، پذیرای عزاداران حسینی شد
حال و هوای کربلا در مشهد

روکش های پیایی، آسفالت معبر قدیمی دریادل را تکه تکه کرده است

زخم ترمیم ها بر پیکر کاشانی ۱۵



اگر لاستیک خودرو هنگام عبور در آن بیفتد، آب و گل به سر و روی عابران پاشیده می شود. در این موقع، مشکل رفت و آمد بیشتر به چشم می آید و چه سواره و چه پیاده در این کوچه با مشکل روبه رو می شوند.

یکی از خانم هایی که سال ها ساکن این کوچه است، می گوید: ما بچه کوچک داریم و به علت وضعیت بد آسفالت، فرزندانمان نمی توانند نزدیک خانه دوچرخه سواری کنند. مهلا تقوازاده با اشاره به شکاف های آسفالت، اضافه می کند: بارها پسر در همین پستی و بلندی ها زمین خورده است.

● ترمیم آسفالت تا آخر تابستان

برای پیگیری موضوع، به سراغ معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ثامن رفتیم.

کامران توتونچی در این باره توضیح داد: در محل هایی که احتمال حفاری برای اجرای طرح های عمرانی وجود دارد، بازسازی رویه آسفالت به تعویق می افتد. این معبر نیز از همین دسته است.

وی افزود: پس از بررسی اجرای پروژه های پیش رو در این خیابان و بازرسی میدانی، زمان دقیق ترمیم و بهسازی مشخص خواهد شد. با این حال، برای رفاه حال اهالی کاشانی ۱۵، این کار حداکثر تا پایان تابستان و پس از جذب اعتبار مورد نیاز انجام می شود.

است که از دیگران جدا افتاده و رسیدگی به آن زیاد مسئولان رفته است.

● در دسر برای پیاده و سواره

یکی دیگر از اهالی ساکن در کوچه کاشانی ۱۵ می گوید: سطح نامناسب آسفالت این خیابان، به جز ساکنان، زائرانی را هم که در مسافر خانه های این محله اقامت دارند، با مشکل رفت و آمد روبه رو می کند. اسد رضایی ادامه می دهد: در فصل بارش، آب در گودی و شکاف های وسط خیابان جمع می شود. هنگام باران، آبراهی از وسط کوچه می گذرد و

زهرامه پورا هر چه در خیابان شهید کاشانی محله بالا خیابان بگردید، می بینید بیشتر پیاده روها سنگ فرش و آسفالت هاتونوار است. اما کوچه کاشانی ۱۵ از آن دست معابری است که هنوز سروشکلی قدیمی دارد. در میان بافت فرسوده ساختمان ها، نخستین چیزی که جلب توجه می کند، آسفالت نامناسب این کوچه است که رفت و آمد را برای خودروها، زائران پیاده و ساکنان دشوار کرده است.

● آثار بد حفاری ها

موضوعی که ساکنان قدیمی این محله را آزار می دهد، آسفالت ناهموار خیابان است که نشان از حفاری های پیشین دارد و با روکش های نامسطح ترمیم شده است؛ معضلی که در بسیاری از خیابان های شهر نیز دیده می شود. در این رابطه، یکی از شهروندان قدیمی محله می گوید: یادم نیست چند وقت پیش بود که وسط این خیابان را برای اجرای یک پروژه حفاری کردند. پس از اتمام کار، آن را ناشیانه با روکش آسفالت پوشاندند و حالا به شدت نامسطح و بد منظره شده است. مرتضی شیخی با اشاره به اینکه خیابان های اطراف همگی از طرح های نوسازی بهره برده و پیاده روها پشان سنگ فرش و مناسب سازی شده است، می افزاید: این خیابان مثل بچه یتیمی



گروه مردمی «هر شب جمعه مثل اربعین» با شله مشهدی پذیرای عزاداران حسینی شد

حال و هوای کربلا در مشهد



از آن ها پذیرایی می کنیم تا هم از ازدحام جمعیت جلوگیری شود و هم غذا به جان عزادار بنشیند.

او درباره خدمتشان در این موکب می گوید: طعم خدمت و کار برای امام، چه در محرم، چه شب های جمعه، به قدری شیرین است که آدم را برای ادامه زندگی حرکت می دهد. در برپایی این موکب افراد زیادی مشارکت می کنند که همه فقط برای ابا عبا...^(۱) است.

● زنده شدن خاطرات کودکی

زمان زیادی طول نمی کشد که خادم ها با بشقاب های شله از مردم پذیرایی می کنند. طیبه مسلمی، یکی از زائرانی که پس از چند دقیقه انتظار در صف، نوبتش رسید و پای سفره نشست، می گوید: وقتی از کنار این موکب گذشتم و فضا را دیدم، دوست داشتم به یاد گذشته ها نشستن سفره ابا عبا...^(۲) را تجربه کنم.

او که سن و سالش نشان می دهد محرم های زیادی را به چشم دیده و جزو نسل دهه شصتی هاست، ادامه می دهد: بچه که بودیم، در مسجد محله مان همین طور سفره پهن می کردند و همه کنار هم غذای خوردیم. این موکب با حال و هوای آن دوران فرق هایی هم دارد، اما آن خاطره های شیرین دوران کودکی را برابیم تدا می کرد.

دل هر محله و مسجد، هر شب جمعه این حال و هوای ایجاد کنیم. این موکب نیز در ادامه این هدف، شش سال است که هر شب جمعه در باغ های اطراف حرم، در کنار پذیرایی از زائران، فرهنگ مهدوی و انتظار فرج را ترویج می کند. پنج سال هم می شود که سی شب محرم، موکب برای عزاداری ابا عبا...^(۳) اطراف حرم مطهر امام رضا^(۴) برپا می شود.

نماز مغرب و عشا که تمام می شود، چراغ این موکب هم روشن می شود و خادم ها با چای عراقی، وعده غذایی و گعده های معرفتی درباره امام زمان^(عج)، از زائران پذیرایی می کنند. مطلبی در این باره توضیح می دهد: امروز در این موکب ۲۰ هزار پرس غذا به نیت فرج امام زمان^(عج) توزیع شده است. در شب های دیگر هم پذیرایی داریم، اما نه با این وسعت. این پذیرایی ها در واقع بهانه است تا جریان سازی این نهضت جهانی را انجام بدهیم و مردم آن را بیشتر بشناسند. بسیاری از روابط استانی مادر باره «هر شب جمعه مثل اربعین» از همین موکب و گفت و گوهایی که داشتیم، شکل گرفته است.

● تکریم زائر پای سفره امام حسین (ع)

فهیجه شگفته، یکی از خادمان این موکب که چند سالی است با این ستاد همکاری می کند، می گوید: ما هر سال مثل خیلی از موکب های دیگر با ظرف های یک بار مصرف شله را توزیع می کردیم، اما امسال برای تکریم میهمانان امام حسین^(ع)، سفره پهن کردیم و گروه گروه

مریم دهقان اماه محرم که می رسد، همه خیابان ها و معابر منتهی به حرم یکپارچه سیاه پوش می شوند و در هر مسیری که قدم برداری، چند موکب و ایستگاه صلواتی با شربت، قهوه و چای عربی از زائران پذیرایی می کنند. اما در باغ رضوان پذیرایی ها شکل دیگری دارند.

ستاد ملی «هر شب جمعه مثل اربعین» چند سالی است در ماه محرم، اطراف حرم امام رضا^(ع) چندین خیمه حسینی برپا می کنند و زائران و مجاوران، در ظهر عاشورا با شله مشهدی و در همه شب های محرم باندری های متفاوت، میهمان سفره این موکب می شوند؛ موکبی که در کنار پذیرایی هایش، معرفت به امام زمان^(عج) را به عزاداران حسینی تعارف می کند.

● جریان سازی یک نهضت جهانی

کنار موکب، زیر سایه درختان که گاهی نسیمی خنک از لابه لای برگ هایش می وزد، تعداد زیادی خادم آقا و چندتایی خادم خانم ایستاده اند و کنار دیگ های شله و قیمة ای که بار گذاشته اند، ظرف های غذا را بر می کنند تا از مردمی که در صف ایستاده اند، پذیرایی کنند.

سید احمد مطلبی که مسئول برگزاری موکب است، خود را خادم «هر شب جمعه مثل اربعین» می داند و می گوید: شش سال از شکل گیری این ستاد ملی می گذرد و بابت توجه به اینکه رهبر شهیدمان فرمودند اربعین همه نقشه های دشمن را نقش بر آب می کند، سعی کردیم در



مکان نما



مسجد ۱۵۰ ساله حجّیه در ته پل محله، هنوز به نام درخت توت قدیمی اش شناخته می شود

زیر سایه درختی که دیگر نیست



ساختمان های نوساز، نشانه هایی از گذشته را در خود حفظ کرده است. یکی از همین نشانه ها، نام «درخت توت» است که در کنار اسم رسمی مسجد، حفظ شده است. هر چند از آن درخت قدیمی دیگر اثری نیست. روایت نسل های ساکن محله نشان می دهد که این مکان بیش از یک قرن مأمن نمازگزاران بوده است.

سمیرا شاهیان امه محرم است و کتیبه های مشکی، حال و هوای مسجد حجّیه معروف به «مسجد درخت توت» را برای عزای دو ماهه سیدالشهدا^(ع) مهیا کرده است. صدای اذان مغرب در فضای مسجد می پیچد و چند نمازگزار آرام آرام وارد شبستان می شوند. هنوز مسجد قدیمی ته پل محله، لابه لای هتل ها و

یک درخت، هویت مسجد

طبرستانی، بخش دیگری از تاریخ شفاهی این مسجد را روایت می کند و می گوید: در یکی از بازسازی ها، شبستان مسجد تا حیاط پیشروی کرد. موقعی که می خواستند خانه مسجد، رابه این طرف منتقل کنند، اتفاقی در کنار حیاط قرار داشت به عرض «شش در حیاط» و نمازگزاران در آن به اقامه نماز می پرداختند و باقی فضا، حیاط مسجد بود. در کنار همین حیاط - جایی که امروز به عنوان آبدارخانه استفاده می شود - درخت توتی قرار داشت. او با یادآوری خاطرات قدیم توضیح می دهد: در گذشته، مردم توت را از باغ های «نکاح» (محدوده فعلی بیمارستان حجازی) می چیدند، روی طبق های می گذاشتند و برای فروش به ته پل محله می آوردند. اما چون در محدوده ته پل محله، درخت توت کم بود، ساکنان محل ورهگذاران از توت های درخت مسجد به رایگان استفاده می کردند و انصافاً درخت توت بزرگی بود. همین استفاده عمومی و جایگاه ویژه این درخت در زندگی روزمره مردم باعث شد مسجد به تدریج بین اهالی با نام «مسجد درخت توت» شناخته شود. طبرستانی می افزاید که حدود سال ۱۳۳۸ خورشیدی، زمانی که او ده دوازده ساله بوده، این درخت قطع شده است. باین حال، خاطره و نام آن همچنان در ذهن قدیمی های محل زنده مانده است. طبرستانی همچنین به فردی به نام «سرگرد لطفی» همسایه مسجد اشاره می کند که پدرش در بازار سنگ تراش ها قهوه خانه داشته است. او توضیح می دهد: زمانی که تابلو مسجد نصب شد، نام رسمی مسجد را «حجّیه» نوشتنند. در حالی که سال ها پیش از آن، میان مردم با نام «مسجد درخت توت» معروف بود. سال درج شده روی کتیبه مسجد ۱۳۴۸ قمری مصادف با ۱۳۰۸ خورشیدی، به همین دوره نصب تابلو و رسمی شدن نام «حجّیه» برمی گردد.

اعلام وقت اذان از قیف حلبی

جواد عسکری پور، پسر آخر مرحوم عسکری پور، می گوید: پنج سالم بود که کلید را از پدرم می گرفتم و می آمدم در مسجد را باز می کردم. آن موقع، هنوز حیاط مسجد در نزدیکی محراب فعلی وجود داشت. نزدیک محراب یک بخاری گنده ای بود. من آن قدر فضای مسجد را دوست داشتم که قبل از نماز می آمدم چوب ها را برای بخاری آماده می کردم تا وقتی نمازگزاران می آیند، محیط گرم باشد. او باین اینک قدمت این مسجد به ۱۵۰ سال پیش برمی گردد. اضافه می کند: در گذشته، نمازخانه بانوان طبقه بالا بود، ولی پدرم به کمک یکی دیگر از قدیمی ها، برای راحتی خانم ها آنجا را تخریب کردند و فضایی برای بانوان در نظر گرفتند که هم سطح با مسجد باشد.

بخشی از زمین های مرحوم خسروی

هنوز هم اگر پای صحبت قدیمی های محله بنشینیم، نام مسجد درخت توت را با احترام و دل بستگی بر زبان می آورند. مسجدی که نام حجّیه هم بر کتیبه هویتی آن ثبت شده است، اما برای اهالی قدیم ته پل محله بیشتر خاطره آن درخت کهن سال توت، زنده است. علی اکبر طبرستانی، از قدیمی های محله، درباره آن درخت می گوید: در حیاط مسجد، نزدیک محراب فعلی، درخت توت بزرگی بود که برای بچه ها جذابیت داشت. خودم بارها از آن درخت بالا رفتم و برای مرحوم مادرم، توت، دست چین کردم. هر چند جزئیات دقیق شکل گیری مسجد در گذر زمان کم رنگ شده است، قدیمی ها از حاج رضابن خسروی به عنوان خیر اثرگذار این مکان مذهبی یاد می کنند. طبرستانی از او که بخشی از املاک خود را وقف مسجد کرده بود، یاد و بیان می کند: مرحوم خسروی ملاق بود و مسجد هم جزو زمین هایش، یکی از ملک هایش پشت همین مسجد دست ما، اجاره بود که کرایه اش را به آقای خسروی می دادیم. علاوه بر ساختمان اصلی شبستان، یک حیاط و خانه و چند مغازه موقوفه دیگر هم برای مسجد در نظر گرفته بود که درآمد آن ها صرف روشنایی، برگزاری مراسم مذهبی و اداره امور مسجد می شد. علی اصغر کریمیان، عضو هیئت امنا، درباره مسجدی که ابتدا خیلی کوچک تر از امروزش بوده است، می گوید: نمی دانیم چطور ملک مرحوم خسروی، مسجد شد. همه ما آن طور شنیدیم که مسجد درخت توت، پیش از مرحوم عسکری پور صمدی که به نوعی تولیت مسجد بود، تولیت دیگری هم داشته است که اکنون نشانی از او نیست.

سردار و آبگوشت هایش

بنبر بزرگی بالای در شبستان مسجد از شادروان مرتضی عسکری پور صمدی نصب شده است. مرحوم، سرپرست هیئت امام حسن مجتبی^(ع) در همین مسجد بوده است. مردم مسنی که کریمیان از او با عنوان تولیت مسجد یاد می کند، پدر مرحوم عسکری معروف به «دایی سردار» است که یادش بیش از همه در خاطره اهالی مانده است. طبرستانی در این باره می گوید: دایی سردار و ابراهیم خالو و جیگی جیگی با هم دوست بودند. سردار سعی می کرد مسجد را احیا کند که مردم به راه های خوب هدایت شوند. او هیئت دار بود. بچه های محل را دور خود جمع می کرد و شب ها برایشان آبگوشت می پخت. نوجوانان محل وقتی گشت و گذارشان در بازار و اطراف حرم تمام می شد، به مسجد برمی گشتند و دور سفره آبگوشت او می نشستند.

طبرستانی می گوید: یادم می آید مسجد نه بلندگو داشت و نه تجهیزات امروزی. یک چرخ چاه داشت (نزدیک ورودی بانوان در مسجد امروزی) که در انتهای مسیر آب، با کمک قیف حلبی بزرگ، آب را بآن جمع می کردند. از همان قیف حلبی برای اعلام وقت نماز استفاده می شد و دایی سردار از بیرون مسجد با صدایی بلند، «قد قامت الصلاه» می گفت.

خادمی ۲۵ ساله «تهرانی» در مسجد نوغان

خادم مسجد، علی رزقی تهرانی است که ۲۵ سال پیش، از پایتخت به مشهد آمده و کلید مسجد بیش از دود دهه در جیب اوست؛ گرچه هیچ وقت برای خادمی مسجد دستمزدی نگرفته و فقط به عشق این مکان، تمام وقت و انرژی اش را خرج اینجامی کند. تهرانی که اطلاعات تاریخی زیادی دارد، می گوید: از روزهای اول حضورم در مشهد، برای خواندن نماز به این مسجد می آمدم. وقتی اعضای هیئت امناء توجه حضور مستمر من شدند، خواستند مسئولیت امور مسجد را به عهده بگیرم. تهرانی توضیح می دهد: بسیاری از خانواده هایی که سال ها پیش از این محله رفتند، هنوز در ایام محرم و صفر به مسجد می آیند. بعضی از آن ها حتی بخشی از اموالشان را وقف هزینه برگزاری مراسم عزاداری کردند و بازماندگانشان هم در شصت روز محرم و صفر هر سال آن مبلغ را در این مسجد خرج می کنند. او بر این باور است سال ها عبادت، دعا و عزاداری در این مسجد، فضایی متفاوت به آن بخشیده است و می گوید: بارها از آن شهرهای مختلف پس از نماز، پیش من آمدند و آرامشی گفتند که در این مسجد تجربه کردند. رزقی از چای معروف مسجد هم می گوید: چای که پس از نماز بین حاضران توزیع می شود، به گفته خیلی ها مزه متفاوتی دارد. بعضی از زائرانی که از بیزدو کرمان با این مسجد آشنا هستند، هر بار که به مشهد می آیند، سری هم به مسجد می زنند تا دوباره در این فضا، چای بنوشند.

سندی در دست نیست

این طور که خادم مسجد به ما می گوید، کتیبه سردر مسجد اهمیت زیادی دارد. به غیر از آن، یک علم (اهدائنده مرحوم محمد رضا نیرومند سعادی)، چند کتیبه پارچه ای و یک قرآن چاپ سنگی که قید شده صیغه وقف بر آن خوانده شده است و تعدادی گلاب پاش قدیمی هم در مسجد وجود دارد. باین حال، پیگیری های شهرآرام محله از مرکز رسیدگی به امور مساجد استان و اداره اوقاف نشان می دهد از این مسجد قدیمی، سندی در دست نیست.



محلات منطقه‌ها بالا خیابان، پایین خیابان

شفای پسر، مادر را دل بسته‌تر کرد



گنبد بارگاه



پسر تازه سر بازی اش تمام شده بود، تصادف کرد و نزدیک بیست روز به کما رفت. وقتی این اتفاق افتاد، همان روزهای اول به امام رضا^(ع) متوسل شدم و از ایشان سلامتی و شفای پسر را خواستم. وقتی دکترها خبر به هوش آمدنش را به ما دادند، ساکم را جمع کردم و برای تشکر از امام به مشهد آمدم.

این ماجرا نه تنها رقیه خانم را تحت تأثیر محبت امام قرار داده است، بلکه بقیه اعضای خانواده هم بآیدن این معجزه، زیارت متفاوتی را تجربه می‌کنند و همراه او هستند. حالا پسر رقیه خانم نزدیک سی سال دارد و با همسرش مادر را در این سفر همراهی می‌کند.

● سایه خنک صحن و دل گرم مادر

لباس مخصوص شهرشان را پوشیده است؛ سرآستین هایش با هنر پته دوزی تزیین شده و زیبایی خاصی به لباسش داده. پس از سلام و احوال پرس، رقیه خانم با روی گشاده، داستان زیارتش را می‌گوید: ما سال هاست پس از تعطیلات مدرسه و دانشگاه بچه‌ها، تابستان‌ها خانوادگی به مشهد می‌آییم و یک ماهی اینجامی مانیم. گاهی جمعیت ماهه سی نفر می‌رسد. خوشبختانه امسال باده اول ماه محرم یکی شده است و هم زیارت می‌کنیم و هم عزاداری.

● نذری که ماندگار شد

رقیه خانم درباره رازی که قلبش را بیشتر از پیش به این حریم پیوند زده است، می‌گوید: امام رضا^(ع) برای ما خیلی عزیز است. اما هشت سال پیش اتفاقی افتاد که دل بستگی ام بیشتر شد. وقتی

مریم‌دهقان خورشید پایین آمده است و سایه خنکی بخش زیادی از صحن‌های حرم را پر کرده است. کتیبه‌های عاشورایی که روی دیواره‌ها، ایوان‌ها و ستون‌ها نصب شده است، بانسیم ملایم پیش از غروب آفتاب خودنمایی می‌کنند. نزدیک اذان مغرب است و زائرها به دنبال صحنی می‌گردند تا نمازشان را به جماعت بخوانند. رقیه جهانگیری هم یکی از همین زائران است که همراه دختر خواهرش، نزدیک صحن آزادی به دنبال وضوخانه می‌گردد. او طبق رسم دیرینه‌ای که برای خود راه انداخته، سال هاست همراه بستگانش از کرمان به مشهد می‌آید تا چند روزی در هوای حرم امام رضا^(ع) نفس بکشد. اما هشت سال پیش که لطف امام رضا^(ع) شامل حالش شد، بیشتر از گذشته دل بسته صاحب این حریم شده است.

بازخوانی میراث ۴ روضه قدیمی خیابان نواب صفوی همراه با مکتب بافت

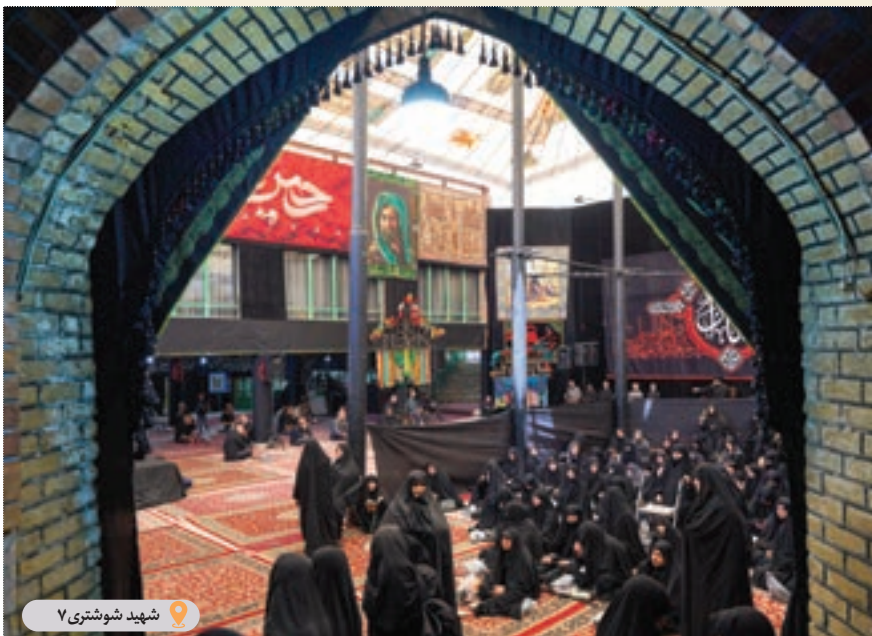
تکیه‌ها؛ شناسنامه سوگواری مشهدند

سکینه تاجی ادر بافت قدیم مشهد، تکیه‌ها بر اساس وابستگی‌های مختلف شکل می‌گرفتند؛ برخی به گروه‌های مهاجر و طایفه‌ای تعلق داشتند و گروهی نیز به اصناف مختلف شهر وابسته بودند. با تغییر سبک زندگی، بسیاری از کارکردهای تکیه‌ها به حسینی‌ها منتقل شد. اما این بناها همچنان بخشی از حافظه تاریخی و مذهبی مشهد را در خود حفظ کرده‌اند. در گشت نیم‌روزه‌ای که همراه مکتب بافت داشتیم، از چهار تکیه معروف مشهد بازدید کردیم.

● ثبت تکیه کرمانی هادر نقشه دالمج که سال ۱۲۴۸ خورشیدی ترسیم شده است؛

موضوعی است که نشان می‌دهد این بنادست کم از دوره ناصرالدین شاه قاجار وجود داشته است و قدمت آن را می‌توان بیش از ۱۵۰ سال دانست. این تکیه از گذشته یکی از مراکز اصلی اجرای تعزیه و شبیه‌خوانی در مشهد بوده است و این سنت همچنان در آن ادامه دارد. مهم‌ترین ویژگی این تکیه تاریخی، سنت چادرپوش کردن حیاط در بدو ورود به ماه عزا، تداوم سنت‌های کهن مانند پخت نان نذری و مشارکت خانوادگی و برپایی روضه به شکل قدیم آن است.

عکس: فهیمه فرخی/شهرآرامحله



شهادت شوشتری ۷



شهادت سالاری مقدم ۱۶

● تکیه خبازها: تکیه یا حسینی‌ها خبازها در گذشته

معروف به تکیه نانوایان نان بربری مشهد بوده است و نزدیک به یک قرن قدمت دارد. خاطر روضه خوانی‌های مرحوم کافی و سخنرانی‌های آیت‌الله طباطبایی هنوز در یاد و خاطر بعضی کهن سالان مشهدی ماندگار است. با گذشت زمان و تغییر کارکرد تکیه‌های سنتی، این مکان به تدریج به حسینی‌ها تبدیل شد، اما هویت صنفی خود را حفظ کرد. اکنون نیز مراسم عزاداری در دهه اول و دهه پایانی ماه محرم هر روز از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹ در اینجا برگزار می‌شود.



شهادت سالاری مقدم ۱۷



شهادت نواب صفوی ۸

● تکیه پوست فروش‌ها: نام تکیه پوست فروش‌ها

از مجاورت باکاروان سرای این صنف گرفته شده است. در دوره‌ای که برگزاری جشن‌های مذهبی هنوز شکل رسمی و حکومتی نداشت، پوست فروشان در محدوده نهر خیابان با چراغانی و آذین‌بندی گسترده جشن‌های مذهبی را برپا می‌کردند. این تکیه قدیمی در سال ۱۳۴۱ به طور کامل تخریب و سپس بازسازی شد و به جز دروازه چوبی، چیزی از بنای گذشته باقی نمانده، اما روضه قدیمی این تکیه همچنان پابرجاست و در ایام عزاداری ماه محرم، هر صبح درهای تکیه پوست فروش‌ها به روی زائران و عزاداران حسینی باز می‌شود.

● تکیه داروغه: این بنای کهن شبیه حسینی‌ها

او آخر قاجار است که دارای یک حیاط مرکزی سرباز و فضا‌های سرپوشیده پیرامونی بودند. اهمیت تکیه داروغه به قدمت آن محدود نمی‌شود، بلکه استمرار فعالیت مذهبی توسط خاندان معروف اقوام شکوهی که در طول چند نسل اداره نقاره‌خانه حرم مطهر با آنان بوده، این بنا را به محلی ویژه تبدیل کرده است. در برخی دوره‌ها حدود هفتاد شب روضه خوانی در این مجموعه برگزار می‌شد که نشان دهنده اهمیت آن در زندگی مذهبی مردم محله است. امروزه برنامه‌ها بیشتر به صورت هفتگی و در مناسبت‌های خاص ادامه دارد.